

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی دانشجویان اصفهان از نظر ساخت واژی و معنایی

سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی*^۱ عادل رفیعی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۴)

چکیده

استفاده از عبارات و اصطلاحات عامیانه تحصیلی در بین دانشجویان اصفهانی رواج دارد. در این مقاله این اصطلاحات از دو منظر ساخت واژی و معنایی بررسی شده است. به این منظور با توجه به تقسیم‌بندی شقاقی (۱۳۸۶) از انواع فرایندهای واژه‌سازی، فرایندهای ساخت واژی دخیل در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی تعیین شد. همچنین در بررسی قواعد معنایی در ساخت این اصطلاحات از آنچه اکرامی (۱۳۸۴) به‌عنوان عمده‌ترین شیوه‌های ساختن واژه و اصطلاح معرفی کرده است، استفاده شد. شرکت‌کنندگان این پژوهش ۹۰ دانشجوی اصفهانی بودند و ابزار جمع‌آوری اطلاعات ارائه پرسش‌نامه‌ای در دو بخش بود. با بررسی و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه در مجموع ۱۶۰ اصطلاح عامیانه تحصیلی که دانشجویان اصفهان استفاده کرده‌اند، به‌دست آمد، سپس داده‌های حاصل از نظر ساخت واژی تحلیل شد که بر اساس آن فرایندهای ساخت این اصطلاحات

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان انگلیسی (نویسنده مسئول)

* raharaha3001@gmail.com

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

به ترتیب: ترکیب، واحدهای واژگانی فراتر از واژه، گسترش استعاری، وام‌گیری، اشتقاق، ابداع، ترکیب- اشتقاق، کوتاه‌سازی و سرواژه‌سازی بودند و در این میان فرایند واژه‌سازی ترکیب با ۶. ۳۱٪ بیشترین سهم و فرایند آمیزش با ۰. ۶۲٪ کمترین سهم را به خود اختصاص داده است. از آنجا که در زبان فارسی ترکیب و اشتقاق رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی هستند، انتظار می‌رفت پس از ترکیب، فرایند واژه‌سازی اشتقاق بالاترین سهم را در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی داشته باشد، در حالی که این‌گونه نیست.

واژه‌های کلیدی: اصطلاحات عامیانه تحصیلی، فرایندهای واژه‌سازی، فرایندهای ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی، شقافی، قواعد معنایی.

۱. مقدمه

از دهه ۱۳۶۰ به بعد با تغییر هرم سنی و جوان شدن جمعیت ایران، جامعه شاهد ترویج اصطلاحات خاص کلامی در بین گروه‌های مختلف جوانان بوده است. در ابتدا این اصطلاحات در محافل و مجامع جوانان، در میهمانی‌ها، دبیرستان‌ها یا دانشگاه‌ها بین جوانان رد و بدل می‌شد. این واژگان و ترکیبات بیشتر جدید و دارای مفهومی رمزآلود بودند. حتی گاهی در ظاهر بی‌مفهوم و مضحک به نظر می‌رسیدند؛ ولی به تدریج برخی از آن‌ها به سطح جامعه رسیدند و حتی در زبان محاوره به صورت گسترده استعمال شدند.

باطنی (۱۳۷۴: ۳۴) در ارتباط با ویژگی‌های زبانی گروه‌های اجتماعی می‌گوید:
هر گروه اجتماعی، اعم از گروه شغلی یا نوع دیگر، اصطلاحات و نحوه بیان و گاهی شوخی‌های خاص خود را دارند که برای نفوذ و رخنه کردن در آن گروه باید آن گونه زبانی خاص را یاد گرفت. بعضی از گروه‌های اجتماعی برای خود گونه زبانی خاص می‌سازند. برخی گروه‌های اجتماعی گونه خاص خود را چنان می‌سازند که جز برای اهل گروه برای دیگران مفهوم نباشد.

همچنین با توجه به اینکه نسل دانشجوی امروز، مدیران، معلمان، اساتید، فرهنگیان و فرهیختگان آینده‌اند، از این رو ضروری است درباره گفتار روزمره آنان- به ویژه آن بخش از گفتار ایشان که به مسائل آموزشی مربوط می‌شود و نیز واژه‌ها و اصطلاحاتی که میان دانشجویان و اساتید رواج دارد- پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی نظام‌مند

صورت گیرد تا علاوه بر بررسی زبان‌شناختی این اصطلاحات، این زبان ثبت و ضبط گردد؛ زیرا خاستگاه تغییر و تحول هر زبان به متکلمان نوجوان و جوانان آن تعلق دارد.

۲. تعریف مفاهیم بنیادین

پیش از بیان مفهوم اصطلاح عامیانه تحصیلی ابتدا باید تعریف مفاهیم زبان عامیانه و اصطلاح عامیانه روشن شود. «در زبان فارسی واحدهای واژگانی که نشان عامیانه گرفته‌اند واحدهایی هستند که در گفتار عادی و روزمره به کار می‌روند؛ اما به کار بردن آن‌ها در گفت‌وگو با افراد غیر صمیمی یا غیر همجنس مؤدبانه نیست» (گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲: ۲۶). همچنین برنارد اسپالسکی^۱ (۲۰۰۸: ۳۵-۳۶) زبان عامیانه را نوعی گفتار خودمانی یا درون‌گروهی می‌داند. وی به جدید بودن و زود گذر بودن واژه‌ها و عبارات این گونه از زبان اشاره می‌کند و معتقد است:

همبستگی یا عضو یک گروه اجتماعی بودن مشخصه مهم زبان عامیانه است. صحبت به زبان عامیانه نشانه عضویت در گروهی خاص است و اهمیت و قدرتی را که وابسته به زبان رسمی است، رد می‌کند. این گونه از زبان اغلب به گروه‌های هم سن و سال یا مکالمات گروهی جوانان یا افراد کم‌قدرت مربوط می‌شود و در این گفت‌وگوها عمداً از واژگان و عبارات رمزآلود با هدف پنهانکاری استفاده می‌شود.

تراسک^۲ (۲۰۰۸: ۲۶۲) به ناپایداری اصطلاح عامیانه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «اکثر اصطلاحات عامیانه ناپایدار هستند. آن‌ها برای مدت چند ماه یا چند سال استفاده می‌شوند و سپس کنار گذاشته می‌شوند و اصطلاحات عامیانه جدید جای آن‌ها را می‌گیرند». در تعریف اصطلاح عامیانه تحصیلی^۳ الیمی و آروا^۴ (۲۰۰۸: ۳۹) چنین بیان می‌کنند: «اصطلاح عامیانه تحصیلی یک زبان غیررسمی و بسیار پرمعنا و گویاست که دانشجویان خلق کرده‌اند و برای توصیف فرهنگ، تحصیلات و زندگی اجتماعی‌شان از آن استفاده می‌کنند». همچنین ابل^۵ (۱۹۹۶: ۲۶) می‌گوید: «اصطلاح تحصیلی شامل واژه‌ها و اصطلاحات جدیدی است که معمولاً زایا بوده و توسط دانشجویان خلق می‌شود. در واقع دانشجویان ویژگی‌های واج‌شناسی، ساخت-واژی و ریشه‌های فرهنگی واژه‌ها را در مفهومی جدید و اصطلاحی به کار می‌برند». اصطلاحات تحصیلی سبک غیررسمی

ارتباط بین دانش‌آموزان و دانشجویان است و از نظر ویژگی‌های خاص این نوع اصطلاحات و محیطی (مدرسه و دانشگاه) که در آن شکل گرفته‌اند، در خور توجه‌اند. از آنجا که واحد واژگانی مورد بررسی در این پژوهش اصطلاح عامیانه تحصیلی است، در گزینش سبک عامیانه از دیگر سبک‌های زبان (مانند سبک رسمی، سبک محاوره‌ای) در گفتار دانشجویان، ویژگی‌هایی که زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان (اسپالسکی، ۲۰۰۸؛ هولمز، ۲۰۱۳؛ فسولد و لیتتون، ۲۰۰۶؛ جرج یول، ۲۰۱۴؛ ابل ۱۹۹۶؛ مک نایت، ۱۹۲۳ و...) برای زبان عامیانه برشمرده‌اند، در نظر گرفته شده است. همچنین از مجموعه اصطلاحات و عباراتی که دانشجویان در گفتار خود با عنوان زبان عامیانه استفاده کرده‌اند، تنها داده‌هایی که مربوط به مسائل تحصیلی و آموزشی دانشجویان است استخراج شده و مورد بررسی و توصیف ساخت واژگانی قرار گرفته است.

۳. پیشینه و روش تحقیق

نخستین کسی که عبارات و اصطلاحات محاوره‌ای و عامیانه فارسی را جمع‌آوری کرد، محمدعلی جمال‌زاده بود. وی در سال ۱۳۳۰ کتابی با عنوان *یکی بود یکی نبود* منتشر ساخت و در انتهای کتاب مجموعه‌ای از اصطلاحات و لغات عامیانه را گردآوری کرد. این اقدام نخستین تلاش برای ثبت و ضبط زبان محاوره‌ای فارسی بود. جمال‌زاده در سال‌های بعد (۱۳۴۱) کار خود را توسعه داد و کتابی حجیم در ۴۸۲ صفحه به نام *فرهنگ لغات عامیانه* را منتشر کرد. وی در این کتاب هزاران واژه و اصطلاح عامیانه را جمع‌آوری کرد و معانی آن‌ها را توضیح داد. پس از وی احمد شاملو *فرهنگ لغات عامیانه* را تألیف کرد. او پژوهش‌های خود را در مجموعه‌ای حجیم به نام *کتاب کوچه* منتشر ساخت. وی در این اثر واژگان، تعبیر و اصطلاحاتی را که مردم کوچه و بازار به کار می‌گیرند، از منظر ادبی همراه با ریشه‌یابی آن‌ها در متون ادبیات فارسی جمع‌آوری کرد. از دیگر آثار مهمی که در زمینه گردآوری اصطلاحات عامیانه می‌توان ذکر کرد، اثر ابوالحسن نجفی با عنوان *فرهنگ لغات عامیانه* است که در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. این فرهنگ شامل لغات و ترکیبات متداول فارسی روزمره در قالب زبان عامیانه است. آنچه در این فرهنگ آمده است لغات و ترکیبات و تعبیرات زبان عامیانه و روزمره متداول

مردم تهران در قرن چهاردهم هجری است. از دیگر آثار مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی نوشته محمود اکرامی (۱۳۸۴) است. روش تألیف این کتاب به صورت گزارش‌های سازمان‌یافته و نظام‌مند است. اطلاعات کتاب از ۸۶۷ نفر جوان بین ۱۸ تا ۲۸ سال گردآوری شده است و در مجموع ۱۸۵۴ اصطلاح در کتاب گرد آمده است. همچنین کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی نوشته مهدی سمایی (۱۳۸۲) را نیز می‌توان ذکر کرد. وی لغات و معانی زبان جوانان را گردآوری کرده است. سمایی لفظ «زبان مخفی» را برای گونه‌ای از زبان بیان می‌کند که در بین گروهی خاص استفاده می‌شود و افراد خارج از آن گروه خاص نمی‌توانند به معنای اصطلاحات مورد استفاده در آن گروه پی ببرند. وی در بررسی زبان مخفی آن را دارای شباهت‌های زیادی با زبان عامیانه می‌داند و معتقد است زبان عامیانه راهی است برای رسیدن به زبان مخفی. پایان‌نامه‌هایی نیز با موضوعات گردآوری اصطلاحات صنعتی (گردآوری و بررسی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی پیشه‌های سنتی و صنایع دستی اصفهان)، گردآوری اصطلاحات گمرکی (واژه‌نامه تخصصی-توصیفی اصطلاحات گمرکی) و یا جمع‌آوری اصطلاحات عامیانه در رابطه با انواع مخدر، جمع‌آوری اصطلاحات سیاسی و ... نگاشته شده است؛ ولی تاکنون کار عمده و پژوهش ویژه‌ای که اصطلاحات عامیانه فارسی را در حوزه خاص تحصیلی گردآوری کند و از بُعد زبان‌شناختی به بررسی آن بپردازد، انجام نگرفته است.

در ایران تحقیقات در زمینه بررسی و گردآوری اصطلاحات عامیانه تحصیلی زبان فارسی کم و ناچیز است. پژوهش‌های برون‌مرزی بسیاری در زمینه گردآوری و بررسی معناشناختی و ساخت‌واژی اصطلاحات تحصیلی صورت گرفته است، از آن جمله می‌توان به پژوهش‌هایی چون «خلق اصطلاحات عامیانه آموزشی توسط دانشجویان در دانشگاه بوتسوانا»، «اصطلاحات عامیانه دانشجویان»^۷، «اصطلاحات عامیانه دانشگاه هاروارد»^۸، «اصطلاحات عامیانه دانشگاه کنز»^۹ و «اصطلاحات دانشگاه استنفورد»^{۱۱} اشاره کرد.

پژوهش‌های دیگری نیز انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان تحقیقی را که ترون (۲۰۰۵) در کالج کینگز لندن انجام داد، نام برد. کار ترون پژوهشی علمی در زمینه

بررسی اصطلاحات تحصیلی دانشجویان کالج کینگز شمرده می‌شود. وی اصطلاحات تحصیلی دانشجویان کالج کینگز را با اصطلاحات تحصیلی دانشجویان کالج‌های دیگر لندن مقایسه کرد و به تحلیل آوایی و ساخت واژگان این اصطلاحات پرداخت.

در این مقاله فرایندهای دخیل در ساخت این اصطلاحات بر اساس تقسیم‌بندی که شقاقی (۱۳۸۶) از فرایندهای واژه‌سازی زبان فارسی مطرح کرده است (وی دوازده فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی را معرفی کرده است که شامل فرایندهای ترکیب، اشتقاق، تکرار، واژه‌سازی بدیع، تبدیل، کوتاه‌سازی- ترخیم، پسین‌سازی، اختصار- سازی، سرواژه‌سازی، آمیزش، وام‌گیری و گسترش استعاری است)، بررسی و تعیین شده‌اند، سپس این اصطلاحات از منظر معنایی و بر اساس تحلیل اکرامی (۱۳۸۴) از عمده‌ترین روش‌های ساخت اصطلاح، مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش تلاش شده است که به دو سؤال زیر پاسخ داده شود:

۱) دانشجویان اصفهان از چه اصطلاحات عامیانه تحصیلی استفاده می‌کنند؟

۲) فرایندهای ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی در بین دانشجویان اصفهانی کدام‌اند

و از هر فرایند به چه میزان استفاده شده است؟

یکی از مشکلات پژوهش‌های مربوط به جامعه‌شناسی زبان، انتخاب روش‌هایی است که به کمک آن‌ها بررسی همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی را امکان‌پذیر سازد. لباو یکی از پژوهشگران بنام در حوزه جامعه‌شناسی زبان بهترین روش را شیوه کمی می‌داند؛ زیرا شیوه‌های کمی به وجه علمی کار پژوهشی کمک می‌کند. وی برای نخستین بار مسائل روش‌شناسی پژوهش‌های جامعه‌شناسی زبان را مطرح کرد و با پژوهش‌های میدانی که موقعیت‌های زبانی معاصر را بررسی می‌کردند، الگوهای کارآمدی از شیوه‌های پژوهش میدانی را در قلمرو زبان‌شناسی اجتماعی ارائه کرد. در پژوهش حاضر از روش‌های میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است و شیوه استدلال‌ها نیز جنبه توصیفی تحلیلی دارد.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. شرکت کنندگان

در این پژوهش دامنه تحقیق به دانشگاه‌های سطح استان اصفهان محدود شده است؛ بنابراین سه دانشگاه از سه قسمت استان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و داده‌های پژوهش از دانشگاه آزاد خوراسگان، دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد نجف‌آباد جمع‌آوری گردید. از آنجا که در پژوهش‌های میدانی جمعیت نمونه می‌تواند به روش تصادفی یا غیرتصادفی انتخاب شود، انتخاب شرکت کنندگان به روش تصادفی صورت گرفت و در هر دانشگاه به ۳۰ نفر شرکت‌کننده پرسش‌نامه‌ای ارائه شد؛ به این ترتیب ۹۰ دانشجویان در پژوهش شرکت داشتند. همچنین به منظور ایجاد تناسبی منطقی بین شرکت کنندگان، دانشجویان از هر دو گروه جنسی مذکر و مونث و همچنین از هر سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تعداد برابر انتخاب شدند.

جدول ۱: تعداد جمعیت نمونه بر حسب جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	کارشناسی- ارشد	دکتری	دکتری	
جنسیت	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	جمع کل
تعداد شرکت کنندگان	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۹۰

۴-۲. ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌های قابل اعتبار پرسش‌نامه‌ای در دو بخش به شرکت کنندگان پژوهش ارائه شد. در بخش اول پرسش‌نامه دانشجویی می‌بایست به ۲۴ سؤال سه‌گزینه‌ای پاسخ دهد. محتوای این سؤالات به مسائلی مربوط می‌شد که دانشجویان در ضمن تحصیل در محیط دانشگاه با آن‌ها روبه‌رو است؛ مواردی چون شیوه تدریس اساتید، رفتارهای دانشجویان سر کلاس درس و نحوه تشکیل کلاس‌ها.

در پاسخ به سؤالات بخش اول دانشجویان با چهار گزینه روبه‌رو شدند: الف) سبک رسمی پاسخ به سؤال، ب) سبک غیررسمی (محاوره‌ای) پاسخ به سؤال، ج) سبک عامیانه در پاسخ به سؤال. درگزینه «د» دانشجویان می‌توانستند نظر خود را نیز آزادانه بگویند. نمونه‌ای از سؤالات این بخش از پرسش‌نامه در زیر مطرح شده است:

- برای توصیف دانشجویی که به شما وابسته است و همیشه از شما کمک درسی می‌خواهد از چه اصطلاحی استفاده می‌کنید؟

الف) دانشجوی وابسته (ب) آویزون (ج) کلیس (د)

در بخش دوم پرسش‌نامه فهرستی از واژه‌های آشنا و ملموس در محیط دانشگاه ارائه شده است. واژه‌هایی چون استادان، خوابگاه دانشجویی، امتحان پایان ترم، مدرک گرفتن، تقلب و واحد گرفتن. از دانشجو خواسته شده است در صورتی که به جای این واژه‌ها در بین دوستان خود از اصطلاحاتی خاص استفاده می‌کنند، آن اصطلاح را بیان کنند. با ارائه پرسش‌نامه به دانشجویان و تفکیک داده‌های حاصل با معیارهای زبان‌شناسی در مجموع ۱۶۰ اصطلاح عامیانه تحصیلی به دست آمد که از نظر ساخت‌وازی بررسی شدند.

۳-۴. روش کار

اصطلاحات عامیانه تحصیلی به دست آمده از بخش اول و دوم پرسش‌نامه در جدول‌های بر اساس طرح آروا و الیمی (۲۰۰۶) طبقه‌بندی شد تا به توصیف فرایندهایی که در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی دخیل بوده‌اند، پرداخته شود و بیان گردد که دانشجویان از کدام فرایندها در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی استفاده کرده‌اند و میزان استفاده از هر کدام تا چه اندازه است. برای دسته‌بندی اصطلاحات استخراج شده بر اساس نوع فرایندی که در ساخت آنها دخیل بوده است، مبنای کار، دسته‌بندی شقاقی (۱۳۸۲) از فرایندهای واژه‌سازی قرار گرفت. شقاقی فرایندهای واژه‌سازی را به فرایندهای ترکیب، اشتقاق، تکرار، واژه‌سازی بدیع، تبدیل، کوتاه‌سازی، ترخیم، پسین‌سازی، اختصارسازی، سرواژه‌سازی و آمیزش تقسیم کرده است و دو فرایند وام‌گیری و گسترش استعاری را نیز بیان کرده است.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی و همکار

۴-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

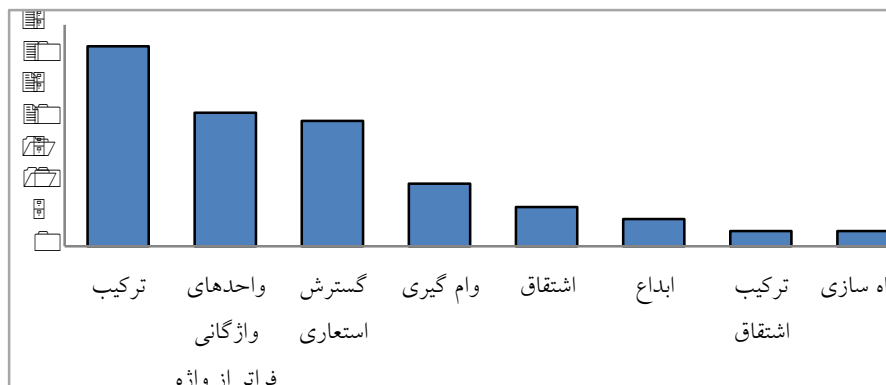
پس از استخراج ۱۶۰ اصطلاح عامیانه تحصیلی دانشجویان اصفهانی^۶، مشخص شد که فرایندهای ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق، ابداع، کوتاه‌سازی، سرواژه‌سازی، آمیزش، وام‌گیری و گسترش‌استعاری در خلق اصطلاحات عامیانه تحصیلی به‌کار رفته است. همچنین برخی ساخت‌های نحوی نیز که در این پژوهش با عنوان «واحد‌های واژگانی فراتر از واژه» مطرح شده‌اند در بین دانشجویان استفاده می‌شد که در تقسیم‌بندی فرایندهای ساخت اصطلاحات عامیانه در نظر گرفته شده‌اند.

در جدول شماره ۲، تعداد و نوع فرایندهای واژه‌سازی دخیل در ساخت این اصطلاحات نشان داده شده است.

جدول ۲: نتیجه یافته‌های مربوط به فرایندهای ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی

درصد	تعداد اصطلاحات عامیانه تحصیلی	فرایندهای ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی
۳۱/۶	۵۱	ترکیب
۲۱/۱	۳۳	واحد‌های واژگانی فراتر از واژه
۶/۲	۱۰	اشتقاق
۲/۴	۴	ترکیب- اشتقاق
۳/۴	۷	ابداع
۲/۴	۴	کوتاه‌سازی
۱/۲	۲	سرواژه‌سازی
۰/۶۲	۱	آمیزش
۹/۹	۱۶	وام‌گیری
۱۹/۸	۳۲	گسترش‌استعاری
۱۰۰	۱۶۰	تعداد کل

در ادامه به منظور داشتن دیدی کلی از فرایندهای دخیل در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی، فراوانی این اصطلاحات در قالب نمودار نشان داده خواهد شد.



نمودار ۱: فراوانی فرایندهای دخیل در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی

با توجه به این نمودار فرایند واژه‌سازی ترکیب بیشترین سهم را در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی به خود اختصاص داده است. پس از آن دانشجویان اصفهانی در خلق اصطلاحات عامیانه به ترتیب از واحدهای واژگانی فراتر از واژه، گسترش استعاری، وام‌گیری و اشتقاق بیشترین بهره را برده‌اند. فرایندهای ابداع، ترکیب-اشتقاق و کوتاه‌سازی نیز در ساخت اصطلاحات عامیانه به کار رفته‌اند؛ اما فراوانی آن‌ها نسبت به این موارد کمتر است. در نهایت دو فرایند سرواژه‌سازی و آمیزش کمترین فراوانی را در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی دارند.

در ادامه اصطلاحات عامیانه تحصیلی دانشجویان که فرایندهای واژه‌سازی در ساخت آن‌ها دخیل بوده است، در جدول‌هایی بر اساس مقوله‌های تحصیلی مربوط نشان داده شده است. این روش طبقه‌بندی که آروا و الیمی (۲۰۰۶) برای اصطلاحات عامیانه تحصیلی پیشنهاد کرده‌اند، برای تمام فرایندهایی به کار می‌رود که در ساخت این نوع اصطلاحات دخیل بوده‌اند تا به صورت روشن‌تر بتوان اصطلاحات تحصیلی را بر اساس نوع ساخت‌وازی آن‌ها توصیف کرد. همچنین پس از معرفی هر فرایند و بیان اصطلاحات مربوط به آن، اصطلاحات بر اساس روش‌هایی که اکرامی (۱۳۸۴) به‌عنوان عمده‌ترین شیوه‌های ساختن واژه و اصطلاح معرفی کرده، بررسی شده است. اکرامی بر اساس تحلیل محتوا و بررسی ساختاری واژه‌ها و اصطلاحات جوانان به تحلیل و معرفی روش‌های به کار رفته در ساخت آن اصطلاحات پرداخته است. در این پژوهش

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفاد رانی و همکار

نیز برخی اصطلاحات عامیانه تحصیلی که بر اساس این تقسیم‌بندی قابل توجیه است، بیان شده و در برخی موارد تحلیل‌های دیگری بر آن نیز افزوده شده است.

۴-۴-۱. ترکیب

ترکیب از رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی است و در تعریف این فرایند به طور کلی می‌توان گفت که با کنار هم قرار گرفتن دو یا چند واژه بسیط یا تک‌واژ قاموسی (آزاد یا وابسته) و تک‌واژ آزاد دستوری و یا دو واژه غیر بسیط، واژه مرکب ساخته می‌شود.

جدول ۳: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند ترکیب در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله	نمونه‌ها
۱	فعالیت کلاسی	گاوعلیشاه، تک‌آور
۲	مطالعه درسی	حل المسائل، دائرةالمعارف، خرخون
	دانشجوی ضعیف	پروفسور بالتازا، مخ بوق آزادزن، کله‌گچی، آی-کیوکلوخ
۳	واحدهای درسی	دروس مشکل
	اساتید دروس مشکل	مخ چت کن، فیوز پرون، اسکی رو اعصاب
	دروس ساده	تو پر زن، پودر کن، فایل بسته
	اساتید دروس ساده	راحت الحلقوم
۵	روابط دانشجویی	دیمی کار، دیرجوش، آرام‌پز، موتور دیزلی
	وابستگی درسی	تسبیح دست
۶	دانشجو	بند تنبون، چت‌زن
	دانشجو	یوم الگدا، مقوا خواب، ایران‌ول، بیکارالدوله، دقیقه

نودی، هوا باف، گدا فانتزی، نرگدا			
معترض	پسر نانویی، پسر شجاع، جنگجوی کوهستان		
بی کلاس	جواد تایتانیک، جواد اوريجینال		
اساتید	زن بابا، آچارپیچ گوشتی	اساتید	۷
رئیس دانشگاه	بیت‌الحال، جیب چون بانک		
استاد راهنما	برو دیروز بیا، شاید وقتی دیگر، چراغ راهنما، چراغ قرمز		
مدرک گرفتن	قله قاف، درپوش کوزه	مقولات دیگر	۸
مراقب	گالری ضدحال، تله موش زنده		
رستوران	خورشت وحشت		

حال به توجیه و نحوه شکل‌گیری برخی از اصطلاحات بالا از منظر معنایی می‌پردازیم، برای این کار از تحلیل اکرامی (۱۳۸۴) نیز بهره می‌گیریم.

۱. استفاده از اسامی اشیا و حیوانات و افرادی خاص، به دلایل:

الف) شباهت شکل و ظاهر؛

ب) مشابهت کاربرد و نتیجه؛ برای مثال:

- آچار فرانسه: استاد

از نظر دانشجویان، استادان اطلاعات جامع علمی دارند و در حل مسائل مختلف علمی در حوزه کار خود از آن اطلاعات بهره می‌گیرند. آچار فرانسه که ابزاری است با کاربردهای گسترده در مسائل فنی برای اشاره به اساتید به کار رفته است.

ج) اشتراک و مشارکت در رفتار و عمل؛ برای مثال:

- پسر نانویی: دانشجوی معترض

پسر نانویی نام شخصیت کارتونی جسور و شجاعی است که می‌توان رفتار دانشجوی معترض را به رفتار وی شبیه دانست.

- زن بابا: استاد

برخی استادانی را که از نظر دانشجویان رفتارشان خشن به نظر می‌رسد، گاهاً زن بابا می‌خوانند.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی و همکار

- مرد نامرئی: ریس دانشگاه

از آنجا که بیشتر دانشجویان تا پایان تحصیل هرگز رئیس دانشگاه را نمی‌توانند ملاقات کنند، وی را از نظر نوع رفتار مرد نامرئی می‌خوانند.

- تله موش زنده: مراقب

از آنجا که کار مراقب سر جلسه امتحان شناسایی و گرفتن دانشجوی متقلب است، عمل وی از این نظر به کاربرد تله‌موش شباهت دارد.

۲. استفاده از آهنگ و شیوه ساخت اسامی چینی، کره‌ای یا ژاپنی که سه قسمتی هستند و ساختن کلماتی سه‌بخشی یا اصطلاحاتی سه کلمه‌ای یا حروفی که در زبان چینی استعمال بیشتری دارند:

- جیب چون بانک: رئیس دانشگاه

۳. عوض کردن یک حرف از اول یا وسط کلمات و ساختن کلمه‌ای جدید با معنای

منفی:

بیت المال ← بیت‌الحال: رئیس دانشگاه (حرف «م» در «المال» به حرف «ح» تبدیل شده و مفهوم واژه منفی شده است).

۴. اضافه کردن «ال» و «لا» عربی به اول کلمه (الگوبرداری از زبان عربی).

یوم‌الگدا: دانشجو

بیکارالدوله: دانشجو.

۲-۴-۴. واحدهای واژگانی فراتر از واژه

در این بخش برای تمییز واحدهای واژگانی فراتر از واژه از کلمات مرکب از دو معیار استفاده شده است:

الف) تصریف داخلی جمع: اگر نشانه جمع فارسی در درون اصطلاح قرار گیرد و عبارت حاصل معنادار باشد، این اصطلاح ساخت نحوی است و ترکیب نمی‌تواند باشد.
ب) گسترش نحوی: اگر گسترش نحوی در داخل اصطلاح اعمال شود و عبارت معناداری حاصل شود آن اصطلاح ساخت نحوی است؛ ولی اگر گسترش نحوی کل را در بر بگیرد، فرایند ترکیب اعمال شده است.

جدول ۴: واحدهای واژگانی فراتر از واژه

ردیف	مقوله	نمونه‌ها
۳	واحدهای	گوش ملی گیر آورده
	درسی	هلو برو تو گلو
۴	کلاس‌های	زیر ذره‌بین
	درس	بهشت پنهان، راه در رو، همه حاضرین
۵	روابط	مخلصات پتاسیم
	دانشجویی	دوستانه
۶	دانشجو	مسئول متراژ
		سال اولی
		فارغ‌التحصیل
۷	اساتید	دستگاه تفاله‌گیری، این گروه خشن
		رئیس دانشگاه
		مرد نامرئی، سایه عقاب، یک‌سر و دو گوش
۸	مقولات دیگر	مستولان دانشگاه
		امتحان پایان‌ترم
		فرار از کولاک، زنگ خطر، جدال با سرنوشت
		تقلب در امتحان
		راز بقا
		واحد گرفتن
		قانون پایستگی
		واحد پاس کردن
		اشک کوسه، آرزوی بزرگ
		یکبار برای همیشه، خانه امید، بوی خوش
زندگی، دوئل مرگ، خط پایان، پرنده کوچک خوشبختی		
مدرک گرفتن		
مراقب		
سایه عقاب		
رستوران		
پایگاه جهنمی		
کتابخانه		
خانه عنکبوتان		
محوطه چمن		
حریم مهرورزی		

در این قسمت نیز نحوه شکل‌گیری برخی واحدهای واژگانی را که از نظر معنایی قابل توجیه هستند، معرفی می‌کنیم.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی و همکار

۱. استفاده از اسامی اشیا و حیوانات و افرادی خاص که اغلب بدین دلایل صورت می‌گیرد:

الف) شباهت شکل و ظاهر؛

ب) مشابهت کاربرد و نتیجه:

- کتابخانه دانشگاه: خانه عنکبوتان

به علت اینکه این مکان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، در نتیجه به خانه عنکبوتان تبدیل شده است.

- دستگاه تفاله‌گیری: استاد

کار دستگاه تفاله‌گیری فشردن و گرفتن آب‌میوه است و از آنجا که استاد از کتاب‌های درسی برای دانشجویان چکیده و جزوه تهیه می‌کند، عمل وی به دستگاه تفاله‌گیری شبیه است.

۲. استفاده از مفاهیم علمی برای مقولات تحصیلی به روشی طنزآمیز

- قانون پایستگی: واحدها نه حذف می‌شوند نه پاس می‌شوند، تنها از ترمی به ترم دیگر منتقل می‌شوند.

۳. استفاده از نام برنامه‌ها یا سریال‌های تلویزیون و رادیو به دلیل مشابهتی که در نام یا محتوای برنامه با مقوله تحصیلی خاص وجود دارد.

- راز بقا: تقلب در امتحان

تقلب می‌تواند به به دانشجوی در گرفتن نمره و پاس کردن درس مورد نظر کمک کند، لذا مانند رازی است که به بقای دانشجو و مشروط نشدن وی کمک می‌کند.

- بر باد رفته: فارغ‌التحصیل

برای دانشجوی فارغ‌التحصیل فرصت‌های شغلی کم است، لذا به نظر برخی دانشجویان، فارغ‌التحصیل کسی است که سال‌های زیادی از عمرش بر باد رفته است.

۳-۴-۴. اشتقاق

فرایند واژه‌سازی اشتقاق یکی از فرایندهای پربسامد در ساخت واژه‌های فارسی است و چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بخشی از اصطلاحات دانشگاهی به این طریق ساخته شده است.

جدول ۵: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند واژه‌سازی اشتقاق در ساخت آن‌ها دخیل است.

ردیف	مقوله	نمونه
۱	فعالیت	مریخی
	کلاسی	اسگلیسم
۲	مطالعه	بزغالوف
	درسی	
۳	واحدهای	نسخت
	درسی	
۶	دانشجو	بینوایان
	سال اولی	نخودی
۸	مقولات	گشتاپور
	دیگر	لیست نمرات

در این بخش نیز به چند روش ساخت اصطلاح درباره اصطلاحات ذکر شده، اشاره می‌کنیم:

۱. استفاده از پسوند «ایسم» لاتین در آخر کلمات فارسی و ساختن مکاتب جدید.

اسگل + ایسم = اسگلیسم: دانشجوی کم‌کار

۲. استفاده از پسوند «أف» روسی در آخر کلمات روسی و عربی:

بزغاله + أف = بزغالوف

۳. اضافه کردن «نه» نفی به اول کلمه و حذف «ه» غیر ملفوظ و ساختن کلمه‌ای

جدید که معنای متضادی با معنای قبلی واژه یا اصطلاح دارد.

نه + خودی = نخودی (غریبه)

۴-۴-۴. ترکیب- اشتقاق

هنگامی که هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق برای ساختن واژه‌ای جدید به کار روند و

فرایند اشتقاق بر پایه غیربسیط مرکب عمل کند، واژه حاصل مرکب- مشتق خواهد بود.

در جدول شماره ۶ اصطلاحات عامیانه تحصیلی که به این روش ساخته شده‌اند، بیان

می‌شود.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی و همکار

جدول ۶: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند واژه‌سازی ترکیب- اشتقاق در ساخت آن‌ها دخیل است.

ردیف	مقوله		نمونه
۲	مطالعه درسی	دانشجوی ضعیف	مغز هویجی، مغز جلبکی
۶	دانشجو	دانشجو	گداگوری
۸	مقولات دیگر	تقلب در امتحان	دو بینگی

۴-۴-۵. ابداع

ابداع ساختن واژه جدیدی است که بدون زمینه قبلی ایجاد می‌شود و واژه‌های زبان‌های دیگر در ساخت آن‌ها دخیل نیستند. در واقع واژه‌هایی که به این روش ساخته می‌شوند، نو واژه‌هایی هستند که به شکلی بدیع و بدون استفاده از فرایندهای واژه‌سازی ساخته می‌شوند.

جدول ۷: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند واژه‌سازی ابداع در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله		نمونه
۱	مطالعه درسی	دانشجوی ضعیف	هتل مس، پیپول، آشنالو، یول
۳	کلاس‌های درس	پرجمعیت	چوبله، یوبله
۴	دانشجو	دانشجو	ول افسکی

۴-۴-۶. کوتاه‌سازی

بنابر آنچه گذشت، گاهی برای ساختن واژه، یک یا چند واژه یا هجا را از کلمه یا عبارت پایه حذف می‌کنند و به این عمل اگر در جایگاه آغازی یا میانی رخ دهد، کوتاه‌سازی و اگر در جایگاه پایانی واژه رخ دهد، ترخیم می‌گویند. در اینجا به جز اصطلاح اول که فرایند ترخیم در ساخت آن دخیل بوده، در ساخت سه اصطلاح دیگر از فرایند کوتاه‌سازی استفاده شده است.

جدول ۸: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند کوتاه‌سازی در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله		نمونه
۵	روابط دانشجویی	روابط دوستانه	برویچ، کرتیم، زیزبابا، اوچیکتیم

برویچه‌ها ← بر و بیچ: فرایند ترخیم (دو هجای «ه-» و «ها» از جایگاه پایانی واژه حذف شده است).

عزیز بابا ← زیز بابا: فرایند کوتاه‌سازی (هجای «-ع» از جایگاه آغازی واژه حذف شده است).

کوچیکتیم ← اوچیکتیم: فرایند کوتاه‌سازی (هجای «ک-» از جایگاه آغازی واژه حذف شده است).

۴-۴-۷. سرواژه سازی

در این فرایند با کنار هم گذاشتن حروف اول چند کلمه واژه جدیدی خلق می‌شود که قابل تلفظ است. حتی در صورت نیاز می‌توان با افزودن واکه یا حذف حروف اول کلمات، واژه‌ای قابل تلفظ و منطبق با قواعد آوایی زبان ساخت. این فرایند از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند و سازندگان واژه با توجه به علائق، سلیق و اهداف مورد نظرشان واژه‌ای خلق می‌کنند که تلفظ‌شدنی باشد. در جدول شماره ۹ به اصطلاحاتی که دانشجویان به این روش خلق کرده‌اند، اشاره شده است.

جدول ۹: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند سرواژه‌سازی در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله		نمونه
۵	روابط دانشجویی	روابط دوستانه	چمن، جیم کافت (را عشقه)

چاکر + مخلص + نوکر ← چمن: در روابط دوستانه بین دانشجویان استفاده می‌شود، برای مثال: چمتیم.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفاد رانی و همکار

جمال و کمال ← جیم کاف: در روابط دوستانه بین دانشجویان استفاده می‌شود،
برای مثال: جیم کاف را عشقه!

۴-۴-۸. فرایند آمیزش

با متصل کردن بخش پایانی واژه‌ای به بخش آغازی واژه دیگر واژه‌ای آمیخته از دو واژه ساخته می‌شود که به این فرایند آمیزش می‌گویند.

جدول ۱۰: اصطلاح عامیانه تحصیلی که فرایند واژه‌سازی آمیزش در خلق آن دخیل بوده است.

ردیف	مقوله	نمونه
۱	فعالیت کلاسی	ضابلو

ضایع + تابلو ← ضابلو: فرایند آمیزش (از آمیخته شدن قسمت پایانی کلمه «ضایع» با قسمت آغازی کلمه «تابلو» اصطلاح «ضابلو» خلق شده است که بار معنایی هر دو اصطلاح را با هم دارد).

۴-۴-۹. وام‌گیری

اصطلاحاتی که از طریق فرایند وام‌گیری به زبان دانشجویان وارد شده است نیز با وجود اینکه جزء فرایندهای اصلی واژه‌سازی در زبان فارسی شمرده نمی‌شود، لیکن به علت عدم همپوشی با دیگر فرایندهای ساخت واژه تعداد این اصطلاحات در جدول شماره ۱۱ در نظر گرفته شده است.

جدول ۱۱: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند وام‌گیری در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله	نمونه
۱	فعالیت کلاسی	هارد دیسک
		هنگ
۲	مطالعه درسی	(خیلی) گوده، ای.دی.اس.ال، یو.اس.آ

آف	دانشجوی ضعیف		
۳	واحد‌های درسی	اساتید دروس ساده	اپن، این فینیتی
۴	کلاس‌های درس	پرجمعیت	ان (تا)
		کم جمعیت	زوم
۵	روابط دانشجویی	دوستانه	هاش.دو.ا (وجود)، جاست فرند
۶	دانشجو	متملق	رسیور
۷	اساتید	رئیس دانشگاه	سند تو ال
۸	مفاهیم دانشگاهی	حراست	فیلترینگ، پالیشر

۱۰-۴-۴. گسترش استعاری

اگرچه به نظر شقاقی فرایندهای گسترش استعاری و وام‌گیری را- که به ساخت واژه- های جدید منتج می‌شود- نمی‌توان جزو فرایندهای اصلی واژه‌سازی در ساخت واژه شمرد؛ لیکن گسترش استعاری در ساخت اصطلاحات عامیانه سهم مهمی دارد (نک: جدول ۴). همچنین از آنجا که در این فرایند ساخت اصطلاحات از نظر معنایی بررسی می‌شود، بین اصطلاحات تفکیک‌شده از این منظر با دیگر فرایندهای واژه‌سازی مانند ترکیب یا اشتقاق هم‌پوشانی وجود دارد. برای مثال در ساخت یک اصطلاح عامیانه مانند «حل‌المسائل» (دانشجوی کوشا) هم فرایند گسترش استعاری و هم فرایند ترکیب دخیل بوده‌اند. بنابراین تعداد اصطلاحاتی که فقط فرایند گسترش استعاری در ساخت آن‌ها دخیل است، در جدول شماره ۱۲ نشان داده شد.

بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرانی و همکار

جدول ۱۲: اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند گسترش استعاری در ساخت آن‌ها دخیل بوده است.

ردیف	مقوله	نمونه
۱	فعالیت کلاسی	آس (کلاس)
۲	مطالعه درسی	پشمک، گوسپند، اسب
۳	واحدهای درسی	اساتید دروس مشکل
		دروس ساده
		اساتید دروس ساده
۵	روابط دانشجویی	دوستانه
		وابستگی درسی
۶	دانشجو	سال اولی
		متملق
		بی کلاس
۷	اساتید	رئیس دانشگاه
		استاد راهنما
۸	مفاهیم دانشگاهی	حراست
		امتحان پایان ترم

اصطلاحات عامیانه تحصیلی که فرایند گسترش استعاری در ساخت آن‌ها دخیل بوده است، از برخی روش‌های ساخت اصطلاح- که اکرامی بیان کرده- پیروی کرده‌اند که بدین شرح است:

۱. تبدیل یک حرف از وسط کلمه به حرف دیگر که قریب‌المخرج باشند: جواد ← جفات: دانشجوی بی کلاس (حرف «و» به حرف «ف» تبدیل شده است).
گوسفند ← گوسپند: دانشجوی ضعیف (حرف «ف» به حرف «پ» تبدیل شده است).

سیب زمینی ← دیب دمینی: استاد آسان گیر (حروف «س» و «ز» به حرف «د» تبدیل شده است).

۲- استفاده از اسامی اشیا و حیوانات و افراد خاص برای افراد که اغلب به دلیل شباهت کاربرد و نتیجه:

با بررسی دقیق مشخص می شود که تمام اصطلاحات بالا اسامی افراد یا اشیایی است که به دلیل شباهت در کاربرد یا ویژگی خاصی که دارند، به مقولات تحصیلی یا مفاهیم دانشگاهی نسبت داده شده اند.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر بدین شرح است:

۱. دانشجویان یک گروه خاص اجتماعی هستند که عبارات و اصطلاحات مخصوص خود را دارند که دریافت مفهوم این اصطلاحات برای افراد خارج از این گروه اجتماعی دشوار و گاهی ناممکن است.

۲. از میان فرایندهای واژه سازی که دانشجویان در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی استفاده کرده اند، فرایند ترکیب سهم زیادی دارد و با توجه به اینکه در زبان فارسی رایج ترین فرایندهای واژه سازی ترکیب و اشتقاق هستند، انتظار می رفت پس از ترکیب، اشتقاق بالاترین سهم را در ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی داشته باشد، در حالی که این گونه نیست.

۳. در توجیه معنایی نحوه شکل گیری اصطلاحات عامیانه تحصیلی ۹ روش را می توان از اصلی ترین روش های ساخت اصطلاحات عامیانه تحصیلی برشمرد.

پی نوشت ها

1. CB. Spolsky
2. trask
3. Academic slang
4. E. Alimi, M. Arua
5. C.Eble
6. Slang Expressions in the University of Botswana
7. Student slang
8. College Slang Harvard
9. Kansa university

10. Stanford Expressions

۱۱. ملاک ارزیابی در این بخش تعاریفی بود که زبان‌شناسان و جامعه‌شناسانی چون دیکسون پل (۲۰۱۰)، جنت هولمز (۲۰۰۸)، جولیا فالک (۲۰۰۷)، فسولدولین تون (۲۰۰۶)، توماس و لایتر (۱۹۷۸) و دیگران از زبان عامیانه، زبان محاوره، زبان معیار، اصطلاحات عامیانه، اصطلاحات عامیانه تحصیلی، بیان کرده‌اند.

منابع

- اسپالسکی، برنارد (۱۳۷۰). *زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه علی رحیمی و زهرا باقری. تهران: جنگل.
- اکرامی، محمود (۱۳۸۴). *مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی*. مشهد: ایوار.
- انوری، حسن و حسن احمد گیوی (۱۳۸۳). *دستور زبان فارسی ۲*. ج ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- اورنگی، لیلی (۱۳۷۸). *واژه‌نامه تخصصی- توصیفی اصطلاحات گمرکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان. دانشکده زبان‌های خارجی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- حاجی محمدی، محمد (۱۳۸۵). *توصیف زبان‌شناختی گونه جاهلی زبان فارسی در فیلم‌ها و برنامه‌های رادیو و تلویزیون (و مقایسه آن با زبان معیار)*. دانشگاه اصفهان. دانشکده زبان‌های خارجی.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- رفیعی، عادل (۱۳۸۷). «پسوند افزایی اشتقاقی در زبان فارسی». *دستور*. ش ۴.
- سامعی حسین (۱۳۷۵). *واژه‌سازی در زبان فارسی، یک انگاره نظری*. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده زبان‌های خارجی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف واژه*. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۲). «زبان معیار». *نشر دانش*. س ۳. ش ۴.
- ----- و همکاران (۱۳۹۲). *فرهنگ جامع زبان فارسی (حرف آ)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- ضیاء حسینی، محمد (۱۳۸۸). *مبانی زبان‌شناسی*. تهران: رهنما.

- قطره، فریبا (۱۳۸۶). *مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- کلباسی، ایران (۱۳۸۰). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مدرسی، یحیی (۱۳۶۳). «برخی مسائل نظری در جامعه‌شناسی زبان». *زبان‌شناسی*. س ۱. ش ۱.

- مشیری، مهشید (۱۳۶۹). *فرهنگ لغت زبان فارسی: الفبایی-قیاسی*. تهران: سروش.

- Arua E. & M. Alimi (2009). *The Creation of Student's Academic Slang Expressions in the University of Bostwana*. Linguistic on line.
- Bauer, L. (1983). *English Word Formation*. London: Cambridge university press.
- Bloom Field, L. (1933). *Language*. New York: Hlot, Rinehart and Javanoic.
- Burdova, V. (2009). *Student Slang*. Masaryk university in burno: Faculty of Education.
- Crystal, D. (1992). *Language*. London: Cambridge University Press.
- Eble, Connie C. (1996). *Slang and Sociability. In-Group Language among College Students*. London: Chapel Hill.
- Falk, J.S. (1978). *Linguistics and Language*. New York: John Wiley and Sons.
- Fasold, R. & J. Connor-Linton (2006). *An Introduction to Language and Linguistics*. Cambridge University Press.
- Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*. Oxford: Basil Blackwell.
- Halliday, M.A. (1978). *Language as a Social Semiotics*. London: Edward Arnold.
- Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics*. Routledge.
- Leech, G. & J. Svartvik (1981). *A Communicative Grammar of English*. London: Longman Group Limited.
- Mathews, P. (1991). *Morphology (2nd edn)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moshiri, L. (1988). *Colloquial Persian*. London: New York, by Rotledge. 1988.
- Spolsky, B. (2008). *Sociolinguistics*. Oxford University Press.
- Thorne, T. (2004). "Slang, Style-shifting and Sociability". www.kcl.ac.uk/content/1/c6
- ----- (2005). "Classifying Campus Slang". [http://- www.kcl.ac.uk/content/1/c6](http://www.kcl.ac.uk/content/1/c6)
- Trask, R. L. & P. Stockwell (2007). *Language and Llinguistics: The Key Concepts*. Taylor & Francis.

بررسی اصطلاحات عامیانهٔ تحصیلی... _____ سارا حاج هاشمی ورنوسفادرائی و همکار

- Wardhaugh R. (2011). *An Introduction to Sociolinguistics*. Blackwell Publishing.
- Yule, G. (2014). *The Study of Language*. Cambridge University Press.

